

همچنان بمشابه یکی از اصول عملیات نظامی در صحنه جنگ پارتیزانی باقی میماند .

از اینرو هرگاه مجموع جنگ مقاومت ضد ژاپنی را در نظر بگیریم ، ملاحظه میشود که تنها در اثر تجمع عملیاتهایی تعرضی اهراتیو و تاکتیکی فراوان در جنگ منظم و جنگ پارتیزانی یا عبارت دیگر در اثر حصول پیروزیهای متعدد در عملیات تعرضی است که میتوان بهدفع استراتژیک دست یافت ، و سرانجام امپریالیسم ژاپن را شکست داد . و تنها در اثر تجمع عملیاتهایی اهراتیو و تاکتیکی زودفرجام متعدد یعنی فقط در اثر دستیابی به پیروزیهای فراوان از طریق فرجام سریع در عملیات تعرضی اهراتیو و تاکتیکی است که میتوان بهدفع استراتژیک یعنی طولانی کردن جنگ نایل آمد ، بدان معنی که میتوان از يك طرف از فرصت برای تقویت قدرت مقاومت خود استفاده نمود و از طرف دیگر به پیدایش تغییرات اوضاع بین المللی و تلاشی دشمن کمک کرد ، تا آنگاه بتوان به تعرض متقابل استراتژیک دست زد و مهاجمین ژاپنی را از چین بیرون راند . باید در هر نبرد نیروهای برتر را متمرکز ساخت و در هر عملیات اهراتیو و یا تاکتیکی — چه در مرحله دفاع استراتژیک و چه در مرحله تعرض متقابل استراتژیک — به عملیات خطوط خارجی دست زد و نیروهای دشمن را محاصره و نابود نمود — محاصره بخشی از نیروهای دشمن اگر محاصره همه آنها ممکن نباشد ، نابود ساختن بخشی از نیروهای محاصره شده ، اگر نابود ساختن تمام آنها مقدور نباشد ، و بالاخره وارد ساختن تلفات سنگین به نیروهای محاصره شده ، اگر امیر کردن تعداد زیادی از آنها امکان نداشته باشد . تنها در اثر تجمع اینگونه نبردهای نابودکننده فراوان است که ما میتوانیم اوضاع بین ما و دشمن را تغییر دهیم ، محاصر استراتژیک دشمن یعنی رهنمود عملیات خطوط خارجی او را کاملاً درهم شکنیم

و سرانجام در همسوئی با نیروهای بین‌المللی و مبارزات انقلابی خلق ژاپن، امپریالیستهای ژاپن را محاصره کرده و با يك ضربه نابود سازیم. این موفقیتها بطور عمده از طریق جنگهای منظم پلست میآیند، و جنگ پارتیزانی در اینجا فقط نقش فرعی را ایفا میکند. معیناً وجه مشترك جنگ منظم با جنگ پارتیزانی انباشت پیروزیهای فراوان کوچکی است که سرانجام منجر بیک پیروزی بزرگ میشوند. اهمیت عظیم استراتژیک جنگ پارتیزانی در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی درست در همینجاست.

اینک بحث درباره مسایل ابتکار عمل، نرمش و نقشه کشی در جنگ پارتیزانی پردازیم.

#### ابتکار عمل در جنگ پارتیزانی چیست؟

در هر جنگ طرفین متخاصم برای احراز ابتکار عمل در صحنه پیکار، در میدان عملیات، در منطقه جنگی و یا در سراسر جنگ با یکدیگر در ستیزند، زیرا که ابتکار عمل بمعنای آزادی عمل برای يك ارتش است. ارتشی که ابتکار عمل را از دست دهد، به پاسیویته میافتد و آزادی عمل خود را از دست میدهد و لاجرم با خطر نابودی و یا شکست روبرو میگردد. طبیعی است که احراز ابتکار عمل در دفاع استراتژیک و عملیات خطوط داخلی نسبتاً مشکل است، در صورتیکه در عملیات تعرضی خطوط خارجی ابتکار عمل را آسانتر میتوان بدست آورد. معذک امپریالیسم ژاپن دارای دو نقطه ضعف اساسی است: اولاً، کمبود قوای نظامی و ثانیاً اینکه در سرزمین بیگانه میجنگد. بعلاوه کمبها دادن بقدرت چین و وجود تضادهای داخلی میلیتاریستهای ژاپن موجب یکسری اشتباهات در کار فرماندهی دشمن گردیده است — مانند افزایش تدریجی قوا، فقدان هماهنگی استراتژیک، و در بعضی مواقع فقدان سمت عمده حمله، از دست دادن فرصت مناسب درپاره‌ای از

عملیاتها و تعلق در نابودی نیروهای محاصره شده و قس علیهذا . همه اینها را میتوان بعنوان سومین نقطه ضعف امپریالیسم ژاپن بحساب آورد . بنا بر این میلیتاریستهای ژاپن با اینکه از این برتری برخوردارند که در حالت تعرضند و در خطوط خارجی عمل میکنند ، بعلت کمبود قوای نظامی ( ژاپن کشور کوچک ، جمعیتش کم ، منابع طبیعی اش ناکافی و کشوریست فتودالی - امپریالیستی و غیره ) و بعلت اینکه در سرزمین بیگانه میجنگند ( جنگ آنها جنگی امپریالیستی و وحشیانه است و غیره ) و باز بعلت عدم کاردانی در فرماندهی ، طبعاً ابتکار عمل را بتدریج از دست میدهند . ژاپن در حال حاضر نه میخواهد و نه میتواند به جنگ خاتمه دهد و نه اینکه تعرض استراتژیکش پایان رسیده است ، ولی همانطور که گرایش کلی اوضاع نشان میدهد تعرض ژاپن محدود در چارچوب معینی است که این نتیجه ناگزیر نقاط ضعف سگانه او میباشد ؛ ژاپن قادر نیست بلامانع به پیشروی ادامه دهد و سراسر خاک چین را ببلعد . هم اکنون علانمی بچشم میخورند که حاکی از اینستکه ژاپن بالاخره روزی بموضع کاملاً پاسیو می افتد . اما در عوض چین که در آغاز جنگ در موضع خیلی پاسیو بود ، اکنون تجربه آموخته و در نتیجه اجرای رهنمود نوینی - رهنمود جنگ متحرك ، بسخن دیگر عملیات تعرضی و عملیات زودفرجام و عمل کردن در خطوط خارجی طی عملیات اهراتیو و تاکتیکی و همچنین در نتیجه اجرای رهنمود گسترش وسیع جنگ پارتیزانی ، روز بروز ابتکار عمل را بیشتر بدست می گیرد .

مسئله ابتکار عمل در جنگ پارتیزانی اهمیت حیاتی باز هم بیشتری می یابد . زیرا واحدهای پارتیزانی اغلب در شرایط بسیار سختی عمل میکنند ، بدین معنی که بدون پشتگاه میجنگند ، با قوای ضعیف خود در برابر قوای نیرومند دشمن میایستند ، فاقد تجربه ( البته چنانچه واحدهای پارتیزانی تازه

تشکیل شده باشند) و پراکنده هستند و غیره. معینا احراز ابتکار عمل در جنگ پارتیزانی میسر است، منتها شرط عمده استفاده از نقاط ضعف سگانه فوق‌الذکر دشمن می‌باشد. واحدهای پارتیزانی می‌توانند با استفاده از کمبود قوای نظامی دشمن (از نظر جنگ در مجموع) بی‌پروا در مناطق وسیعی عملیات خود را بگسترند؛ واحدهای پارتیزانی می‌توانند با استفاده از اینکه دشمن بیگانه است و سیاست فوق‌العاده وحشیانه‌ای را در پیش گرفته است، پشتیبانی ده‌ها میلیون مردم را بعداً کثرت بخود جلب نمایند؛ و بالاخره واحدهای پارتیزانی می‌توانند با استفاده از عدم کردانی دشمن در فرماندهی، کردانی خود را بعداً کامل بمنصبه ظهور برسانند. بدیهی است که ارتش منظم نیز باید از تمام این نقاط ضعف دشمن استفاده کند و آنها را چون سلاحی برای درهم شکستن دشمن مورد استفاده قرار دهد، منتها استفاده از این نقاط ضعف برای واحدهای پارتیزانی اهمیت بیشتری دارد. اما راجع به ضعفهای خود واحدهای پارتیزانی باید گفت که این ضعفها در جریان مبارزه میشود رفته رفته کاهش یابند. گذشته از این، بعضی مواقع درست همین ضعفها هستند که شرایط احراز ابتکار عمل را تشکیل میدهند. فی‌المثل، واحدهای پارتیزانی درست بعلت اینکه کوچکند، میتوانند برای عملیات خود در پشت جبهه دشمن بطور مرموز ظاهر و ناپدید شوند - بدون اینکه دشمن بتواند از عهده آنها بریاید - و از اینرو از چنان آزادی وسیعی برخوردارند که ارتشهای منظم بزرگ هرگز نمیتوانند برخوردار باشند.

وقتیکه دشمن از چند جهت به حمله متقارب دست میزند، واحدهای پارتیزانی باشکال میتوانند ابتکار عمل را حفظ کنند و باسانی آنها از دست میدهند. در چنین صورتی، اگر ارزیابی و تدابیر متخذه درست نباشد، واحدهای پارتیزانی بسهولت به پاسیویته میافتند و در نتیجه دیگر قادر به

درهم شکستن حمله متقارب دشمن نخواهند بود. این امر حتی برای موقعی که دشمن در حال دفاع است و ما در حال تعرض، نیز صادق است. از اینرو ابتکار عمل از ارزیابی صحیح وضعیت (وضعیت خود و دشمن) و اتخاذ تدابیر درست نظامی و سیاسی نتیجه میشود. ارزیابی بدبینانه‌ای که منطبق با شرایط عینی نباشد و تدابیر پاسیو منتج از این ارزیابی بدون شك ابتکار عمل را از ما سلب میکنند و ما را بموضع پاسیو میاندازند. از طرف دیگر ارزیابی غلوآمیز خوشبینانه که منطبق با شرایط عینی نباشد و تدابیر مخاطره‌آمیزی که (ریسک بیمورد) از یکچنین ارزیابی ناشی میشوند، نیز منجر به از دست دادن ابتکار عمل گشته و سرانجام ما را بهمان راهی میکشاند که بدبینان در آن میافتند. قوه ابتکار خصیصه ذاتی هیچ نابغه‌ای نیست، بلکه چیزی است که يك رهبر با درایت از طریق بررسی واقع‌بینانه و ارزیابی صحیح شرایط عینی و اتخاذ تدابیر درست نظامی و سیاسی بدست میآورد. بنابراین ابتکار عمل بشکل حاضر و آماده تقدیم کسی نمیشود، بلکه برای احراز آن باید آگاهانه اهتمام ورزید.

وتیکه يك واحد پارتیزانی در اثر بعضی ارزیابی‌ها و تدابیر نادرست و یا بعلت فشار مقاومت‌ناپذیر دشمن به پاسیویته میافتد، باید بهر ترتیبی که شده، سعی کند خود را از این وضع نجات دهد. راه خلاصی از این وضع بستگی به شرایط مشخص دارد. در بسیاری از موارد "رفتن" ضرورت مییابد. قابلیت تحرك صفت مشخصه واحدهای پارتیزانی است. تحرك شیوه عمده‌ای است که از آن برای خروج از موضع پاسیو و احراز مجدد ابتکار عمل استفاده میشود. ولی این یگانه شیوه نیست. لحظه‌ای که فشار دشمن خیلی شدید است و ما با مشکلات فراوانی روبرو هستیم، اغلب درست همان لحظه‌ایست که اوضاع بزبان دشمن و بسود ما شروع به تغییر میکند. غالباً در نتیجه "قدری بیشتر پایداری کردن" وضع مساعد دوباره پدید میگردد و ابتکار عمل

مجدداً بدست ما میافتد .

اکنون به بحث درباره نرْمش پردازیم .

نرْمش بیان مشخص ابتکار عمل است . در يك جنگ پارتیزانی استفاده نرْمش پذیر از نیروها از جنگ منظم ضرورتراست . رهبر جنگ پارتیزانی باید درك كند که استفاده نرْمش پذیر از نیروها مهمترین وسیله برای تغییر اوضاع بین ما و دشمن و کسب ابتکار عمل است . ویژگیهای جنگ پارتیزانی ایجاب میکنند که نیروها طبق وظایف موجود و طبق شرایطی چون وضع دشمن ، عوارض زمین و وضع اهالی محل وغیره ، بطور نرْمش پذیر مورد استفاده قرار گیرند ؛ طرق عمده استفاده از نیروها عبارتند از : پخش ، تمرکز و تغییر موضع . رهبر جنگ پارتیزانی در استفاده از نیروهای خود همانند ماهیگیری است که در آب تور میاندازد ، بدین معنی که ماهیگیر باید قادر باشد تور خود را بهمان خوبی که پهن میکند ، دوباره جمع نماید . ماهیگیر وقتی در آب تور میاندازد ، باید درباره عمق ، سرعت جریان آب و وجود یا فقدان موانع تحقیق کند ؛ بهمین ترتیب نیز رهبر جنگ پارتیزانی زمانیکه واحدهای خود را بمنظور استفاده از آنها پخش میکند ، باید مراقب باشد که در اثر بی اطلاعی از اوضاع و یا بعلت اقدامات بد حساب شده دچار تلفات نگردند . درست همانطور که ماهیگیر برای جمع کردن تور باید سر نخ ها را محکم در دست داشته باشد ، رهبر جنگ پارتیزانی نیز باید با کلیه دستجات خود دائماً در تماس و ارتباط باشد و همچنین از قوای عمده خود نیروی کافی تحت اختیار داشته باشد . درست همانطور که در ماهیگیری دائماً تغییر مکان لازم است ، رهبر جنگ پارتیزانی نیز باید موضع واحدهای خود را دائماً تغییر دهد . بنابر این پخش ، تمرکز و تغییر موضع - سه طریق استفاده نرْمش پذیر از نیروها در جنگ پارتیزانی میباشد .

بطور کلی ، بخش واحدهای پارتیزانی ، یا "تقسیم کل به جزء" اصولاً در موارد زیر بکار میرود : ۱ - زمانیکه دشمن موضع دفاعی گرفتار باشد و موقتاً امکان تمرکز نیرو برای عملیات وجود نداشته باشد ، و ما بخواهیم دشمن را از روبرو در جبهه وسیعی مورد تهدید قرار دهیم

۲ - وقتیکه بخواهیم در سراسر منطقه‌ایکه نیروی دشمن ضعیف است ، بکار ایدائی و تخریبی پردازیم ؛ ۳ - زمانیکه قادر به درهم شکستن محاصر و حمله دشمن نباشیم و بدینجهت بخواهیم هدف بزرگی بدشمن عرضه نکنیم و خودمانرا کنار بکشیم ؛ ۴ - موقعیکه عوارض زمین مساعد نباشد و ی تأمین خواربار با مشکلاتی روبرو گردد ؛ ۵ - زمانیکه ما در منطقه وسیعی مشغول کار توده‌ای باشیم . ولی شرایط هر طور که باشد ، هنگامیکه نیروها برای عملیات بخش میشوند ، باید موارد زیر را مراعات کرد : ۱ - نیروها را هرگز نباید بیک اندازه بخش کرد ، بلکه باید بخش نسبتاً بزرگی از آنها را در ناحیه مناسبی برای مانور نگاهداشت تا بتوان از یکطرف در مقابل پیشآمدهای غیرمترقبه آمادگی لازم داشت و از طرف دیگر مرکز ثقلی برای انجام وظایفی که باید بطور پراکنده انجام یابند ، بوجود آورد ؛ ۲ - بهتر بیک از واحدهای بخش شده باید وظایف مشخصی محول کرد ، میدان عملیات ، مدت عملیات ، محل تجمع مجدد و طرق ارتباطی و غیره را باید دقیقاً برای آنها معین کرد .

تمرکز نیروها برای استفاده از آنها یا "تجمع اجزاء در یک واحد کل" شیوه‌ای است که غالباً برای نابود کردن دشمنی که در حال تعرض است ، و گاهی نیز برای نابود کردن بعضی از نیروهای مستقر دشمنی که در حال دفاع است بکار میرود . تمرکز قوا بهیچوجه بمعنای تمرکز مطلق نیست ، بلکه بمعنای تمرکز نیروهای عمده برای بکار انداختن در یک جهت مهم

و نگاهداشتن یا اعزام بخشی از نیروها برای بکار انداختن در جهات دیگر است تا آنکه بتوانند دشمن را تثبیت نمایند ، بستوه در آورند یا کار او را مختل سازند و یا اینکه بکار توده‌ای پردازند .

پخش و یا تمرکز نرمش پذیر نیروها بر حسب شرایط شیوه اصلی جنگ پارتیزانی است ، ولی همچنین باید بدانیم که چگونه نیروهایمان را بطور نرمش پذیر جابجا کنیم (نقل مکان دهیم) . دشمن بمحض اینکه حس کند مورد تهدید جدی واحدهای پارتیزانی قرار گرفته ، نیروی نظامی خود را برای سرکوب و یا حمله بآنها اعزام خواهد کرد . از اینرو واحدهای پارتیزانی باید اوضاع را مورد بررسی قرار دهند ، در صورتیکه مصلحت باشد ، آنها باید در همان ناحیه‌ای که هستند ، علیه دشمن بجنگند ، و چنانچه مصلحت نباشد ، باید بدون فوت وقت بسرعت بمحل دیگری تغییر مکان دهند . بعضی اوقات واحدهای پارتیزانی برای اینکه واحدهای دشمن را یکی پس از دیگری درهم شکنند ، پس از آنکه یکدسته از قوای دشمن را در محل نابود ساختند ، باید برای در هم کوبیدن دسته دیگری از قوای دشمن فوراً به محل دیگر تغییر مکان دهند ؛ بعضی اوقات در يك محل معین مصاف با دشمن مقتضی نیست ، در اینصورت واحدهای پارتیزانی باید بسرعت خود را از نزد این دسته دشمن کنار بکشند و در محل دیگر با دشمن به پیکار پردازند . هرگاه واحدهای پارتیزانی در محل معینی مورد تهدید فوق‌العاده جدی قوای دشمن قرار بگیرند ، آنها نباید در آنجا درنگ کنند بلکه باید خود را بسرعت برق کنار بکشند . بطور کلی ، تغییر مکان باید بسرعت و در خفا صورت گیرد . بخاطر گمراه کردن ، بدام انداختن و گیج کردن دشمن باید به حمله‌های گوناگون جنگی توسل جست — مانند تظاهر بمانور در شرق ولی حمله در غرب ، گاهی در جنوب و زمانی در شمال ظاهر شدن ، زدن و در رفتن و عملیات



شبانه و غیره .

نرمش در پخش ، تمرکز و تغییر موضع نیروها بیان مشخصی از ابتکار عمل در جنگ پارتیزانی است ، در صورتیکه جمود و عدم تحرك ناگزیر به پاسیویته و تلفات غیرلازم منجر میشود . يك فرمانده درایت خود را با درك اهمیت مسئله استفاده نرمش پذیر از نیروها نشان نمیدهد ، بلکه با مهارت در پخش ، تمرکز و تغییر موضع نیروها برحسب شرایط مشخص و بموقع نشان میدهد . توانائی پیش بینی تغییر شرایط و انتخاب درست لحظه عمل کارساده ای نیست ؛ تنها کسانی میتوانند از این موهبت برخوردار باشند که با واقع بینی به بررسی و کاوش و ژرف اندیشی دائمی بپردازند . برای جلوگیری از تبدیل نرمش بيك عمل شتابزده ، بررسی دقیق شرایط ضرور است . بالاخره به بحث درباره مسئله نقشه کشی پردازیم .

بدون نقشه کشی پیروزی در جنگ پارتیزانی امکان پذیر نیست . این نظر که جنگ پارتیزانی میتواند الله بختی درگیرد ، نشانه برخورد سرسری به جنگ پارتیزانی و یا بی اطلاعی از آن است . برای عملیات نظامی در سراسر منطقه پارتیزانی ، یا عملیات يك واحد و یا يك فرماسیون پارتیزانی باید قبلاً نقشه ای حتی المقدور دقیق تنظیم نمود که خود کار تدارک پیش از هر عملیات محسوب میشود . بررسی وضعیت ، تعیین وظیفه ، آرایش قوا ، تعلیمات نظامی و سیاسی ، تهیه خواربار ، مواظبت از ساز و برگ ، تأمین کمک مردم و غیره — همگی بخشی از کار فرماندهان واحدهای پارتیزانی را تشکیل میدهد که باید دقیقاً این کارها را مورد تعمق قرار دهند و با جدیت تمام در اجرا و بازرسی چگونگی انجام این کارها کوشش نمایند . در غیر اینصورت نه ابتکار عمل بدست می آید و نه نرمش و تعرض ممکن میگردد . البته ، شرایط جنگ پارتیزانی در مقایسه با جنگ منظم کمتر اجازه کار

طبق نقشه را میدهد و خطا خواهد بود اگر در جنگ پارتیزانی برای کار طبق نقشه خیلی دقیق تلاش گردد؛ معذک تا آنجا که شرایط عینی اجازه میدهد، داشتن نقشه‌ای حتی الامکان دقیق ضرور است زیرا باید دانست که جنگیدن با دشمن کار شوخی نیست.

مطالب فوق‌الذکر توضیحی است درباره اولین مسئله مربوط به اصول استراتژی جنگ پارتیزانی که عبارتست از: ابتکار عمل، نرمش و نقشه‌کشی در عملیات تعرضی در جریان جنگ تدافعی، در عملیات زودفرجام در جریان جنگ طولانی و در عملیات خطوط خارجی در جریان عملیات خطوط داخلی. این مسئله‌ای کلیدی است که در اصول استراتژی جنگ پارتیزانی مطرح میشود. حل این مسئله پیروزی در جنگ پارتیزانی را از نقطه نظر فرماندهی نظامی بطور اساسی تضمین میکند.

با وجود اینکه در اینجا مسایل گوناگونی مورد بحث قرار گرفتند، ولی همگی حول مسئله تعرض در عملیات اپراتیو و تاکتیکی چرخ میزنند. تنها پس از پیروزی در یک عملیات تعرضی است که میتوان ابتکار عمل را بطور قطعی بدست آورد. هر گونه عملیات تعرضی باید بابتکار ما صورت گیرد نه اینکه ما را بآن مجبور کنند. نرمش در استفاده از نیروها دور این وظیفه مرکزی میچرخد: عملیات تعرضی؛ نقشه‌کشی نیز اصولاً بمنظور تضمین پیروزی در عملیات تعرضی ضرورت می‌یابد. تدابیری که جهت دفاع تاکتیکی اتخاذ میشوند، در صورتیکه در پشتیبانی مستقیم یا غیر مستقیم از عملیات تعرضی نقشی نداشته باشند، خالی از هیچ مفهومی خواهند بود. فرجام سریع عملیات به مدت تعرض اشاره میکند، در حالیکه خطوط خارجی وسعت تعرض را معین مینماید. تعرض یگانه وسیله نابودی دشمن و همچنین وسیله اصلی حفظ نیروهای خودی است، در حالیکه دفاع و عقب‌نشینی

محض در حفظ نیروهای خودی فقط نقشی موقتی و قسمی دارد و برای نابودی دشمن بهیچوجه مؤثر واقع نمیشود .

اصل فوق‌الذکر اساساً هم در مورد جنگ پارتیزانی صادق است و هم در مورد جنگ منظم و فقط در شکل تظاهر فرق میکند . لیکن در جنگ پارتیزانی توجه باین اختلاف هم مهم و هم ضرور است . درست همین اختلاف شکل است که شیوه‌های عملیات جنگ پارتیزانی را از شیوه‌های عملیات جنگ منظم متمایز میسازد ؛ مخلوط کردن این دو شکل متفاوت ، پیروزی در جنگ پارتیزانی را غیرممکن میکند .

## فصل پنجم

### همسوئی با جنگ منظم

دومین مسئله استراتژی در جنگ پارتیزانی همسوئی با جنگ منظم است . این مسئله با توجه به خصلت عملیات مشخص پارتیزانی ، رابطه بین عملیات جنگ پارتیزانی و عملیات جنگ منظم را روشن میگرداند . درك این رابطه برای غلبه بر دشمن بوجه مؤثر شایان اهمیت زیادی است .

بین جنگ پارتیزانی و جنگ منظم سه نوع همسوئی وجود دارد که عبارتند از : همسوئی در استراتژی ، همسوئی در عملیات اهراتیو و همسوئی در عملیات تاکتیکی .

جنگ پارتیزانی بمثابة يك كل - که در پشت جبهه دشمن ، او را تضعیف و تثبیت میکند ، خطوط ارتباطی وی را مختل میکند و به افراد ارتش منظم و مردم سراسر کشور روحیه میدهد و غیره - از نظر استراتژیک با

جنگ منظم همسوئی دارد . بعنوان مثال جریان جنگ پارتیزانی سه استان شمال شرقی را در نظر بگیریم . البته قبل از جنگ مقاومت سراسری کشور مسئله همسوئی مطرح نبود ، ولی پس از شروع جنگ مقاومت اهمیت این همسوئی روشن و واضح شد . واحدهای پارتیزانی آنجا هر نفر بیشتر از سربازان دشمن را بکشند ، دشمن را به مصرف هر گلوله بیشتر مجبور سازند و مانع از گذر هر نفر بیشتر از سربازان دشمن بجنوب دیوار بزرگ گردند ، بهمان اندازه در تقویت مجموعه قدرت مقاومت سهمی ادا کرده‌اند . بعلاوه روشن است که همه اینها در تضعیف روحیه ارتش دشمن و تمام ژاپن و در تشویق ارتش و خلق ما کاملاً مؤثرند . از آن واضحت‌ر نقشی است که جنگ پارتیزانی در همسوئی استراتژیک در امتداد خطوط راه آهن بی - پین - سوی یوان ، بی - پین - حان کو ، تیائزین - پو کو ، داتون - پو جو ، جن دین - تای یوان و شانگهای - حان جو ایفا کرده است . واحدهای پارتیزانی نه فقط در حال حاضر که دشمن در حال تعرض استراتژیک است ، با قوای منظم در دفاع استراتژیک همسوئی دارند و نه فقط پس از آنکه دشمن تعرض استراتژیک را تمام کرد و به حفظ مناطق اشغالی خود پرداخت ، با قوای منظم در معانعت از این عملیات دشمن همسوئی خواهند کرد ، بلکه پس از آنکه تعرض متقابل استراتژیک قوای منظم شروع شود ، نیز با قوای منظم در بیرون راندن قوای دشمن و همچنین در بازستاندن تمام مناطق از دست‌رفته همسوئی خواهند نمود . نقش عظیم جنگ پارتیزانی را در همسوئی استراتژیک بهیچوجه نباید نادیده گرفت . فرماندهان واحدهای پارتیزانی و قوای منظم باید اهمیت این نقش را بروشنی درک کنند .

بعلاوه ، جنگ پارتیزانی در جریان عملیات اپراتیو نیز با جنگ منظم همسوئی دارد . مثلاً طی نبرد سین کو واقع در شمال تای یوان جنگ پارتیزانی

در شمال و جنوب پن من گوان ، در تخریب خط راه آهن داتون - پوجو و همچنین در تخریب جاده‌های پن سین گوان ، یان فان کو نقش همسوئی برجسته‌ای با این عملیات اهراتیو داشته است . مثال دیگری را در نظر بگیریم ، پس از آنکه دشمن فون لین دو را تصرف کرد ، جنگ پارتیزانی که دیگر در مراسم استان شان سی گسترش یافته بود ( بطور عمده از طرف قوای منظم انجام میشد ) ، در همسوئی با عملیات دفاعی غرب رودخانه زرد واقع در استان شنسی و همچنین در همسوئی با عملیات دفاعی جنوب رودخانه زرد واقع در استان چه نان نقش همسوئی حتی بسیار مهمتری با این عملیات اهراتیو ایفا نموده است . و همچنین وقتیکه دشمن به جنوب استان شان دون حمله ور گردید ، جنگ پارتیزانی در پنج استان شمال چین از طریق همسوئی با عملیات اهراتیو ارتش ما در آنجا سهم قابل ملاحظه‌ای را ادا کرده است . در انجام اینگونه وظایف رهبران هر يك از پایگاههای پارتیزانی پشت جبهه دشمن و یا فرماندهان هر يك از فرمسیون‌های پارتیزانی که موقتاً بآنجا اعزام شده‌اند ، باید نیروهای خود را بخوبی آرایش دهند ، با شیوه‌های گوناگونی منطبق با شرایط زمان و مکان ، فعالانه به حیاتی‌ترین و زخم‌پذیرترین نقاط دشمن حمله ور گردند تا بتوانند دشمن را تضعیف و تثبیت کنند ، خطوط ارتباطی او را مختل کنند و به نیروهای ارتش ما که در خطوط داخلی بعملیات اهراتیو مشغولند ، روحیه دهند و بدینسان وظیفه همسوئی با عملیات اهراتیو را بانجام رسانند . ولی هرگاه يك منطقه یا يك واحد پارتیزانی بدون توجه به همسوئی با عملیات اهراتیو قوای منظم بطور جداگانه عمل کند ، از اهمیت نقش همسوئی استراتژیک آن - علیرغم نقشی که در استراتژی عمومی دارد - کاسته خواهد شد . تمام فرماندهان جنگ پارتیزانی باید باین نکات توجه جدی مبذول دارند . بمنظور تحقق همسوئی در عملیات اهراتیو

کلیه واحدها و فرماسیونهای نسبتاً بزرگ پارتیزانی حتماً باید وسایل مخابره رادیویی در اختیار داشته باشند .

در خاتمه ، همسوئی با قوای منظم در عملیات تاکتیکی ، یعنی در میدان جنگ ، وظیفه کلیه واحدهای پارتیزانی مجاور میدانهای جنگ خطوط داخلی است ؛ البته این فقط در مورد آن واحدهای پارتیزانی صادق است که در نزدیکی قوای منظم مستقرند و یا اینکه موقتاً از واحدهای منظم تشکیل شدهاند . در چنین صورتی واحدهای پارتیزانی موظفند هر گونه وظیفهای را که از طرف فرماندهان قوای منظم بآنها محول میشود ، انجام دهند ؛ این وظایف معمولاً عبارتند از تثبیت کردن بخشی از نیروهای دشمن ، مختل ساختن خطوط ارتباطی وی ، عملیات اکتشافی و یا راهنمایی قوای منظم و غیره . یک واحد پارتیزانی حتی بدون داشتن چنین دستوراتی نیز باید بابتکار خود این وظایف را انجام دهد . بیکار نشستن ، حرکت نکردن و نجنبیدن و یا بدون جنگیدن بجهت حرکت کردن - هیچیک از این برخوردها برای یک واحد پارتیزانی مجاز نیست .

## فصل ششم

### ایجاد مناطق پایگاهی

سومین مسئله استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی مسئله ایجاد مناطق پایگاهی است که بعلت طولانی بودن و سختی جنگ ، ضرور و مهم میباشد . از آنجا که بازستاندن سرزمینهای از دست رفته ما فقط پس از تعرض متقابل استراتژیک در مقیاس سراسر کشور میتواند صورت گیرد ، لذا دشمن تا

فرارسیدن آن لحظه جبهه خود را تا مرکز چین گسترش خواهد داد و چین را از شمال به جنوب بدو بخش تقسیم خواهد کرد و بخشی از خاک کشور ما و حتی بخش بزرگتری از آن بدست دشمن خواهد افتاد و به پشت جبهه او بدل خواهد گشت. ولی ما باید جنگ پارتیزانی را در سراسر مناطق وسیع تحت اشغال دشمن گسترش دهیم و پشت جبهه دشمن را به جبهه‌های نبرد بدل نمائیم و دشمن را مجبور کنیم که در مناطق اشغالی خود دائماً با ما در نبرد باشد. تا زمانیکه لحظه‌ای برای شروع تعرض متقابل استراتژیک ما و بازستاندن سرزمینهای از دست رفته فرا نرسیده است، باید با استواری و پیگیری تمام به جنگ پارتیزانی در پشت جبهه دشمن ادامه دهیم — البته برای مدتی طولانی، هر چند که نمیتوان بتحقیق معین کرد تا چه مدتی. بهمین جهت است که جنگ ما، جنگی طولانی خواهد شد. و دشمن برای حفظ دست‌آوردهای خود در مناطق اشغالی مسلماً بطور روزافزون عملیات ضد پارتیزانی خود را تشدید خواهد کرد و بخصوص پس از آنکه تعرض استراتژیک او متوقف شود، به سرکوب سخت واحدهای پارتیزانی دست خواهد زد. از اینرو، بعلت طولانی بودن و سختی جنگ، دوام جنگ پارتیزانی در پشت جبهه دشمن بدون داشتن مناطق پایگاهی غیر ممکن خواهد بود.

مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی چیست؟ این مناطق پایگاههای استراتژیکی هستند که جنگ پارتیزانی با تکیه بدانها وظایف استراتژیک خود را انجام میدهد و بههدف خود که عبارت از حفظ و بسط و توسعه نیروهای خودی و نابودی و بیرون راندن دشمن میباشد، نایل میگردد. بدون وجود چنین پایگاههای استراتژیک، هیچ نقطه اتکائی جهت اجرای وظایف استراتژیک و یا نیل بههدف جنگ موجود نخواهد بود. بطور کلی نبرد بدون

پشتگاه یکی از ویژگیهای جنگ پارتیزانی در پشت جبهه دشمن است ، زیرا جنگ پارتیزانی در این مناطق از پشت جبهه عمومی کشور جداست . ولی جنگ پارتیزانی بدون وجود مناطق پایگاهی نه میتواند مدت زیادی دوام آورد و نه قادر است بسط و توسعه یابد . این مناطق پایگاهی در واقع پشتگاه جنگ پارتیزانی را تشکیل میدهند .

تاریخ شاهد جنگهای دهقانی فراوانی از نوع یاغیگری بوده که هیچکدام از آنها موفق نگشته است . در عصر کنونی رشد و تکامل وسایل ارتباطی و تکنولوژی تصور اینکه میتوان پیروزی را از طریق جنگهایی از نوع یاغیگری بدست آورد ، کاملاً غیر منطقی است . مع الوصف امروز این روحیه یاغیگری هنوز در میان دهقانان ورشکسته وجود دارد و باعث شده که در سر رهبران جنگ پارتیزانی چنین فکری بوجود بیاید که مناطق پایگاهی ضرور و یا مهم نیستند . بنابراین ، شرط مقدماتی برای اتخاذ رهنمود جهت ایجاد مناطق پایگاهی اینستکه اینگونه افکار را از مغز رهبران جنگ پارتیزانی خارج کنیم . این مسئله که آیا باید مناطق پایگاهی را ایجاد کرد یا نه ، آیا باید بآنها اهمیت داد یا نه ، و بسخن دیگر مبارزه میان ایده ایجاد مناطق پایگاهی و روحیه یاغیگری ، در کلیه جنگهای پارتیزانی پیدا میشود و جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی نیز تا اندازه معینی از این قاعده مستثنی نیست . از اینجهت مبارزه ایدئولوژیک علیه روحیه یاغیگری پروسهای ناگزیر است . تنها با ریشه کنی روحیه یاغیگری و طرح و عملی ساختن رهنمود ایجاد مناطق پایگاهی میتوان به ادامه جنگ پارتیزانی طولانی مساعدت کرد .

اینک که ضرورت و اهمیت مناطق پایگاهی روشن شده است ، ذیلاً به مسایلی میپردازیم که درک و حل آنها برای ایجاد مناطق پایگاهی ضرورند . این مسایل عبارتند از : انواع مناطق پایگاهی ؛ مناطق پارتیزانی و مناطق



پایگاهی ؛ شروط برای ایجاد مناطق پایگاهی ؛ تحکیم و توسعه مناطق پایگاهی ؛ اشکالی که ما و دشمن یکدیگر را محاصره میکنیم .

### ۱ - انواع مناطق پایگاهی

مناطق پایگاهی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی بطور عمده به سه نوع تقسیم میشوند : پایگاههای کوهستانی ، پایگاههای جلگه‌ای و پایگاههایی که در نواحی پوشیده از شبکه متراکم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها قرار دارند . مزیت ایجاد مناطق پایگاهی در نواحی کوهستانی بر همگان روشن است ، و پایگاههاییکه در مناطق کوهستانی چان بای (۱) ، او تای (۲) ، تای هان (۳) ، تای (۴) ، یین (۵) ، ماتو (۶) ایجاد شده یا در حال ایجادند و یا در آینده ایجاد خواهند شد ، از نوع این پایگاهها میباشند . این پایگاهها نقاطی هستند که جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی در آنجاها بیش از جاهای دیگر میتواند دوام آورد و در ضمن تکیه‌گاههای مهمی برای جنگ مقاومت ضد ژاپنی محسوب میشوند . ما باید جنگ پارتیزانی را در تمام مناطق کوهستانی پشت جبهه دشمن گسترش دهیم و پایگاههایی ایجاد کنیم .

البته موقعیت جلگه‌ها کمتر از کوهستانها مساعد است ، ولی این بهیچوجه بمعنای آن نیست که گسترش جنگ پارتیزانی و ایجاد هرگونه پایگاهی در مناطق جلگه‌ای غیرممکن است . گسترش وسیع جنگ پارتیزانی در جلگه‌ها به و در جلگه‌های شمالی و شمال غربی شان دون دال بر اینستکه امکان توسعه جنگ پارتیزانی در جلگه‌ها موجود است . گرچه تاکنون هیچ نشانه‌ای از امکان ایجاد و حفظ طولانی مناطق پایگاهی در نواحی جلگه‌ای در دست نیست ، ولی امکان ایجاد مناطق پایگاهی موقتی در این نواحی دیگر بشوت رسیده است و از طرف دیگر باید گفت که ایجاد

مناطق پایگاهی برای واحدهای کوچک یا مناطق پایگاهی موسمی نیز امکان پذیر است. زیرا از یکسو دشمن قوای نظامی کافی در اختیار ندارد و سیاست وحشیانه یسابقه‌ای را تعقیب میکند و از سوی دیگر چین دارای سرزمین پهناور و مردم کثیرالعدده است که در برابر تجاوز ژاپن ایستادگی میکنند. تمام اینها شرایط عینی را برای بسط جنگ پارتیزانی و ایجاد مناطق پایگاهی موقتی در جلگه‌ها فراهم میسازند. در صورتیکه فرماندهی نظامی لایق وجود داشته باشد، مطمئناً باید برای واحدهای کوچک پارتیزانی امکان ایجاد پایگاههای طویل‌المدت - ولو اینکه ثابت نباشند - موجود باشد (۷).

بطور کلی وقتیکه دشمن تعرض استراتژیک خود را متوقف ساخت و وارد مرحله حفظ مناطق اشغالی خود گردید، تردیدی نیست که با وحشیگری تمام به کلیه مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی حمله‌ور خواهد شد و طبعاً در این میان پایگاههای جلگه‌ای پارتیزانی اولین پایگاههایی هستند که هدف ضربات دشمن قرار میگیرند. در آن موقع فرماسیونهای بزرگ پارتیزانی که در جلگه‌ها عمل میکنند، برای مدت طولانی قادر به نبرد در این نقاط نخواهند بود و باید برحسب شرایط بتدریج به منطقه کوهستانی منتقل شوند، فی‌المثل از جلگه‌ها به بکوههای او تایی و تایی هان یا از جلگه شان دون به کوه تایی و شبه جزیره جیانو دون. لیکن در شرایط جنگ ملی برای واحدهای متعدد کوچک پارتیزانی بهیچوجه غیرممکن نیست که در شهرستان‌های مختلف جلگه‌های وسیع پخش شوند و به عملیات سیار پردازند، بدین معنی که گاهی در اینجا و زمانی در جای دیگر عمل کنند و پایگاههای خود را دائماً از محلی بمحل دیگر انتقال دهند. و همچنین جنگ پارتیزانی موسمی با استفاده از "پرده سبز" محصول ساقه بلند در تابستان و یا با استفاده از یخبندان رودخانه‌ها در زمستان نیز بی‌شک امکان پذیر

است . در حال حاضر از آنجا که دشمن دارای قدرت کافی نیست و حتی اگر در آینده هم دارای قدرت کافی شود هرگز قادر نخواهد بود بهمه چیز توجه کند ، کاملاً ضرور است که ما برای امروز رهنمودی جهت گسترش وسیع جنگ پارتیزانی و ایجاد مناطق پایگاهی موقتی در جلگه‌ها و برای آینده رهنمودی جهت ادامه جنگ پارتیزانی توسط واحدهای کوچک ، حتی اگر موسمی باشد ، و ایجاد مناطق پایگاهی غیرثابت در پیش بگیریم .

بطور عینی ، امکانات برای گسترش جنگ پارتیزانی و ایجاد مناطق پایگاهی در نواحی پوشیده از شبکه متراکم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها بیشتر از جلگه‌ها و کمتر از مناطق کوهستانی موجود است . نبردهای بیشمار " دزدان دریائی " و " راهزنان رودخانه‌ای " که در تاریخ ما بهچشم میخورند ، و همچنین جنگهای پارتیزانی‌ایکه در دوره ارتش سرخ در اطراف دریاچه خون چندین سال ادامه داشت ، هر دو بر امکان بسط و توسعه جنگهای پارتیزانی و ایجاد مناطق پایگاهی در مناطق پوشیده از شبکه متراکم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها دلالت میکنند . ولی احزاب و گروههای سیاسی و توده‌های مردمیکه در برابر تجاوز ژاپن دست بمقاومت زده‌اند ، تاکنون باین امکان توجه کافی مبذول نداشته‌اند . گرچه شرایط ذهنی هنوز آماده نیست ، ولی بیگمان ما باید باین امکان توجه کنیم و در اجرای آن اقدام نمائیم . بعنوان يك جنبه از بسط و توسعه جنگ پارتیزانی در سراسر کشور ، ما باید در ناحیه دریاچه خون زه واقع در شمال رودخانه یان تسه و همچنین در منطقه دریاچه تای واقع در جنوب رودخانه یان تسه و در تمام نواحی‌ایکه در امتداد رودخانه‌ها و سواحل دریاها از شبکه متراکم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها پوشیده اند و تحت اشغال دشمن قرار دارند ، جنگ پارتیزانی را بطور مؤثر سازمان دهیم و در این محلها و در نزدیکی آنها مناطق پایگاهی دائمی ایجاد کنیم . چنانچه ما

باین جنبه توجه نکنیم ، دست دشمن را در استفاده از راه‌های آبی باز خواهیم گذاشت ؛ این امر موجب شکافی در نقشه استراتژیک جنگ مقاومت ضد ژاپنی خواهد شد که باید حتی الامکان زود پر شود .

## ۲ - مناطق پارتیزانی و مناطق پایگاهی

در جنگ پارتیزانی که در پشت جبهه دشمن جریان می‌یابد ، میان مناطق پارتیزانی و مناطق پایگاهی فرق هست . مناطقی که تحت محاصره دشمن میباشند ولی هنوز بخشهای مرکزی آنها باشغال دشمن در نیامده‌اند و یا در آمده بودند و بازستانده شده‌اند - مانند بعضی شهرستانهای منطقه کوهستانی اوتای ( یعنی منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به ) و همچنین بعضی از نقاط نواحی کوهستانی تای هان و تای - بمثابه مناطق پایگاهی آماده‌ای میباشند که واحدهای پارتیزانی میتوانند از آنها برای بسط و توسعه جنگ پارتیزانی براحتی استفاده کنند . ولی وضع در سایر نقاط این مناطق فرق میکند ، مثلاً در بخشهای شرقی و شمالی ناحیه کوهستانی او تای که قسمتهائی از غرب حه به و جنوب چاهار را دربر میگیرد و همچنین در بسیاری از نقاط شرقی بائودین و نقاط غربی تسان جو ، واحدهای پارتیزانی در اوایل جنگ پارتیزانی نمیتوانستند این نقاط را کاملاً تصرف کنند ، بلکه فقط میتوانستند دائماً به آنجا دستبرد بزنند ، بطوریکه این نقاط با حضور واحدهای پارتیزانی تحت کنترل آنها در می‌آید و وقتیکه از آنجا میروند ، پلست حکومت دست نشانده میافتد ، و بنابر این آنها را هنوز نمیتوان مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی خواند ، بلکه باید مناطق پارتیزانی نامید . اینگونه مناطق پارتیزانی زمانی به مناطق پایگاهی تبدیل میشوند که پروسه لازم جنگ پارتیزانی را طی کرده باشند ، یعنی زمانیکه تعداد زیادی از نیروهای دشمن

نابود شده و یا شکست خورده باشند ، حکومت دست نشانده محلی واژگون و نیروی فعال توده‌ها برانگیخته شده ، سازمانهای توده‌ای ضد ژاپنی تشکیل شده باشند ، نیروهای مسلح اهالی محل بسط یافته و بالاخره قدرت سیاسی ضد ژاپنی مستقر شده باشد . الحاق چنین مناطقی به مناطق پایگاهی ایکه قبلاً ایجاد گشته‌اند ، بمعنای توسعه مناطق پایگاهی میباشد .

در بعضی نقاط ، مانند ناحیه شرقی حه به ، تمام حوزه عملیات پارتیزانی از همان ابتدا منطقه پارتیزانی بوده است . در این مناطق حکومت دست‌نشانده مدت مدیدی است که مستقر است و از همان ابتدا تمام حوزه عملیات هم برای نیروهای مسلح توده‌ای که از بطن قیاسهای محلی بیرون آمده‌اند و هم برای دسته‌های پارتیزانی که از کوهستانهای او تالی اعزام شده‌اند ، يك منطقه پارتیزانی بوده است . آنها در آغاز فعالیتشان فقط میتوانند چند نقطه مناسب را در آن نواحی بمثابه پشتگاه موقتی و یا مناطق پایگاهی موقتی انتخاب کنند . تا زمانیکه قوای دشمن نابود نشده و کار بسیج توده‌ای بسط و توسعه نیافته است ، حالت ویژه منطقه پارتیزانی نواحی مذکور پایان نخواهد یافت و خود این نواحی به مناطق پایگاهی نسبتاً استوار مبدل نخواهند گردید .

بنابر این تبدیل منطقه پارتیزانی به منطقه پایگاهی پروسه‌ای خلاق دشوار است ، و انجام آن وابسته به میزان نابودی دشمن و بسیج توده‌هاست . بسیاری از نواحی برای مدتی طولانی بصورت مناطق پارتیزانی باقی خواهند ماند . دشمن علی‌رغم تلاش فراوانی که برای حفظ کنترل خود در این نواحی مرعی میدارد ، قادر به استقرار حکومت دست نشانده ثابتی نخواهد بود و ما نیز بسهم خود ، علی‌رغم گسترش وسیع جنگ پارتیزانی ، قادر به استقرار قدرت سیاسی ضد ژاپنی در این نواحی نخواهیم بود . چنین

نمونه‌هایی را میتوان در نواحی اشغالی مجاور خطوط راه آهن و یا در حوالی شهرهای بزرگ و یا در بعضی از مناطق جلگه‌ای مشاهده کرد .

در مورد شهرهای بزرگ ، ایستگاههای راه آهن و بعضی از مناطق جلگه‌ای که تحت کنترل نیروهای قابل ملاحظه دشمن‌اند ، جنگ پارتیزانی فقط میتواند تا حوالی این مناطق گسترش یابد ، ولی نمیتواند پدخال این مناطق که دارای حکومت دست نشانده نسبتاً ثابت میباشند ، نفوذ کند . این وضع دیگری است .

اشتباهات رهبری ما و یا فشار سخت دشمن نیز ممکن است باعث شود که وضع فوق‌الذکر معکوس گردد ، بدین معنی که یک منطقه پایگاهی بصورت منطقه پارتیزانی و یک منطقه پارتیزانی به صورت منطقه اشغالی نسبتاً ثابت دشمن در آید . امکان چنین تغییراتی موجود است و رهبران جنگ پارتیزانی باید در این مورد بخصوص هشیار باشند .

بنابر این ، در نتیجه جنگ پارتیزانی و مبارزه بین ما و دشمن ، مراسم سرزمین تحت اشغال دشمن بسه رده زیر تقسیم میشود : اول - مناطق پایگاهی ضد ژاپنی که تحت کنترل واحدهای پارتیزانی و ارگانهای قدرت سیاسی ما هستند ؛ دوم - مناطقی که در تصرف امپریالیسم ژاپن و حکومت دست‌نشانده‌اش میباشند ؛ سوم - مناطق بینابینی مورد نزاع طرفین ، یعنی مناطق پارتیزانی ، رهبران جنگ پارتیزانی موظفند که مناطق رده اول و سوم را بعداً کتر ممکن بسط و توسعه دهند و مناطق رده دوم را بعد اقل ممکن کوچک نمایند . اینست وظیفه استراتژیک جنگ پارتیزانی .

### ۳ - شروط برای ایجاد مناطق پایگاهی

شروط اساسی برای ایجاد مناطق پایگاهی عبارتند از وجود قوای مسلح

ضد ژاپنی ، بکار انداختن این قوای مسلح برای شکست دادن دشمن و برانگیختن توده‌های مردم بمبارزه . بنابر این مسئله ایجاد مناطق پایگاهی قبل از هر چیز مسئله تشکیل نیروهای مسلح است . رهبران جنگ پارتیزانی باید همه کوشش خود را برای تشکیل يك یا چند واحد پارتیزانی بکار اندازند و آنها را در جریان مبارزه بتدریج به فرماسیونهای پارتیزانی و یا حتی به واحدها و فرماسیونهای منظم تکامل دهند . تشکیل قوای مسلح کلید ایجاد منطقه پایگاهی است ، اگر قوای مسلح وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود ضعیف باشد ، هیچ کاری نمیتوان کرد . این شرط اول است .

دومین شرط لازم برای ایجاد منطقه پایگاهی عبارت از در هم شکستن دشمن با قوای مسلح بمعیت توده‌های مردم است . کلیه نواحی تحت کنترل دشمن ، پایگاههای دشمن محسوب میشوند ، نه مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی ، و بدیهی است که تا زمانیکه دشمن در هم شکسته نشود ، این نواحی نمیتوانند بمناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی بدل گردند . بدون دفع حملات دشمن و شکست دادن او حتی نقاطی هم که تحت کنترل جنگ پارتیزانی قرار دارند ، تحت کنترل دشمن در خواهند آمد ، و آنگاه ایجاد مناطق پایگاهی غیر ممکن خواهد گشت .

سومین شرط لازم برای ایجاد مناطق پایگاهی عبارتست از استفاده از همه قدرت خود ، منجمله استفاده از قوای مسلح در امر بسیج توده‌های مردم بخاطر مبارزه علیه ژاپن . در جریان این مبارزه ما باید خلق را مسلح کنیم ، یعنی گروههای دفاع از خود و واحدهای پارتیزانی را تشکیل دهیم . در جریان این مبارزه ما باید سازمانهای توده‌ای را ایجاد کنیم و کارگران ، دهقانان ، جوانان ، زنان ، کودکان ، تجار و افراد دارای مشاغل آزاد را — با توجه به درجه اعتلاء آگاهی سیاسی و روحیه رزمنده‌شان — در سازمانهای مختلف

توده‌های که برای مبارزه علیه ژاپن ضرورند ، متشکل سازیم و سپس این سازمانها را بتدریج رشد و تکامل دهیم . توده‌های مردم بدون تشکیلات نمیتوانند نیروی مقاومت ضد ژاپنی خود را نشان دهند . در جریان این مبارزه ما باید کلیه نیروهای خائنین پنهانی و آشکار را نابود کنیم و انجام این وظیفه نیز فقط با اتکاء به قدرت توده‌های مردم امکان‌پذیر است . در این مبارزه ، بسیج مردم برای استقرار یا تحکیم ارگانهای محلی قدرت سیاسی ضد ژاپنی حایز اهمیت خاص است . در آن نقاطی که ارگانهای حکومتی سابق چین توسط دشمن واژگون نشده‌اند ، باید با پشتیبانی توده‌های وسیع آنها را تجدید سازمان دهیم و مستحکم کنیم و در آنجایکه این ارگانها توسط دشمن واژگون شده‌اند ، باید با کوشش توده‌های وسیع آنها را از نو ایجاد کنیم . این ارگانهای قدرت میاسی باید سیاست جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را اجرا کنند و باید کلیه نیروهای خلق را برای مبارزه علیه یگانه دشمن ، امپریالیسم ژاپن و نوکرانش ، خائنین بملت و مرتجعین متحد گرداند . کلیه مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی فقط زمانی میتوانند واقعاً ایجاد شوند که این سه شرط اساسی بتدریج تأمین شده باشد ، یعنی فقط پس از آنکه نیروهای مسلح ضد ژاپنی تشکیل شوند ، دشمن شکست بخورد و توده‌های مردم بسیج گردند .

شرایط جغرافیائی و اقتصادی را نیز باید در اینجا ذکر نمود . شرایط جغرافیائی را ما طی سه رده مختلف در بخش "انواع مناطق پایگاهی" مورد بحث قرار دادیم ، و در اینجا فقط بذکر یک شرط عمده اکتفا میکنیم : منطقه باید وسیع باشد . در میان مناطقی که از همه طرف یا از سه طرف در محاصره دشمن قرار دارند ، البته نواحی کوهستانی برای ایجاد مناطق پایگاهی طویل‌المدت دارای بهترین شرایط خواهند بود ؛ ولی مسئله عمده اینستکه



برای مانور واحدهای پارتیزانی باید میدان کافی موجود باشد ، یعنی منطقه باید وسیع باشد . در صورت وجود يك منطقه وسیع ، جنگ پارتیزانی میتواند حتی در جلگه‌ها و بطریق اولی در نواحی پوشیده از شبکه متراکم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها نیز گسترش و دوام یابد . بطور کلی وسعت خاک چین و کمبود قوای نظامی دشمن این شرایط را برای جنگ پارتیزانی چین فراهم ساخته‌اند . این شرایط تا آنجا که به امکان بر پا کردن جنگ پارتیزانی مربوط میشوند ، شرایطی مهم و حتی دارای اهمیت طراز اولند ؛ و بعکس کشورهای کوچکی چون بلژیک که فاقد این شرایطاند ، دارای امکانات کم هستند و یا اصلاً هیچگونه امکانی برای شروع جنگ پارتیزانی ندارند . ولی در چین برای تأمین این شرایط احتیاج به تلاش نیست و اصولاً این شرایط بعنوان يك مسئله مطرح نیستند . این شرایط را طبیعت فراهم کرده است و فقط باید از آنها استفاده کرد .

از نظر طبیعی شرایط اقتصادی شبیه شرایط جغرافیائی است . زیرا آنچه که در اینجا مورد بحث ماست ، ایجاد مناطق پایگاهی در پشت جبهه دشمن است نه در بیابانهائی که اثری از وجود دشمن نیست ؛ دشمن بهر جا رخنه کند ، چینی‌ها در آنجا حتماً سکونت دارند و برای امرار معاش مردم باید اقتصادی موجود است ، بطوریکه مسئله انتخاب شرایط اقتصادی در ایجاد مناطق پایگاهی هیچگاه مطرح نمیشود . ما صرفنظر از شرایط اقتصادی باید در کلیه نقاطی که چینی‌ها سکونت دارند و قوای دشمن مستقر است ، برای بسط و توسعه جنگ پارتیزانی از هیچ کوششی فروگذار نکنیم و مناطق پایگاهی دائمی و یا موقتی را ایجاد نمائیم . معهداً شرایط اقتصادی از نظر سیاسی مسئله‌ای بوجود می‌آورند و آن مسئله سیاست اقتصادی است که برای ایجاد مناطق پایگاهی دارای اهمیت حیاتی میباشد . سیاست اقتصادی مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی باید از اصول جبهه متحد ملی ضد ژاپنی یعنی

تقسیم منصفانه بار مالی و حمایت از تجارت ، تبعیت کند . ارگانهای محلی قدرت سیاسی و واحدهای پارتیزانی بهیچوجه نباید این اصول را نقض نمایند ، چه در غیر اینصورت عمل آنها در ایجاد مناطق پایگاهی و ادامه جنگ پارتیزانی تأثیر معکوس خواهد گذاشت . تقسیم منصفانه بار مالی بدین معناست که " آنهایی که پول دارند ، باید پول بدهند " ، در ضمن دهقانان نیز باید تا حدودی غله مصرفی واحدهای پارتیزانی را تأمین کنند . حمایت از تجارت بدین معناست که واحدهای پارتیزانی باید دارای انضباط پولادین باشند و بجز مصادره مغازه‌های خائنین بملت کاملاً شناخته شده ، بخود اجازه مصادره خودسرانه حتی یکی از مغازه‌ها را ندهند . این کار ساده‌ای نیست ، ولی این سیاست معین شده باید حتماً مورد اجرا گذاشته شود .

#### ۴ - تحکیم و توسعه مناطق پایگاهی

برای اینکه بتوان دشمنان مهاجم را فقط در چند نقطه استحکامی - یعنی در شهرهای بزرگ و اطراف خطوط ارتباطی عمده - میخکوب ساخت ، باید با تمام نیرو جنگ پارتیزانی را از مناطق پایگاهی خود تا حد ممکن بخارج بسط و توسعه داد و نقاط استحکامی دشمن را طوری تحت فشار قرار داد که موجودیت دشمن مورد تهدید قرار گیرد و روحیه ارتش دشمن متزلزل گردد ، و از این طریق مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی توسعه می‌یابند . این امری است کاملاً ضروری . در این مورد ، ما باید با روحیه محافظه‌کاری در جنگ پارتیزانی مبارزه کنیم . محافظه‌کاری - چه در اثر تمایل به راحت‌طلبی و چه در اثر پربها دادن به قدرت دشمن - بهر صورت به امر جنگ مقاومت ضد ژاپنی صدمه میزند و به جنگ پارتیزانی و خود مناطق پایگاهی نیز زیان می‌رساند . ولی در عین حال نباید مسئله تحکیم مناطق پایگاهی را هم فراموش

کنیم ؛ در اینمورد وظیفه عمده بسیج و تشکل توده‌های مردم و تعلیم واحدهای پارتیزانی و قوای مسلح محلی است . تحکیم مناطق پایگاهی هم برای ادامه جنگ طولانی و هم برای توسعه بیشتر این مناطق لازم است ، چه بدون تحکیم مناطق پایگاهی توسعه پر دامنه آن امکان پذیر نیست . چنانچه در جنگ پارتیزانی فقط به مسئله بسط و توسعه توجه کنیم و مسئله تحکیم را از نظر دور بداریم ، قادر نخواهیم بود در برابر حملات دشمن پایداری کنیم و در نتیجه نه تنها امکان بسط و توسعه را از دست خواهیم داد ، بلکه موجودیت خود مناطق پایگاهی را نیز بخطر خواهیم افکند . رهنمود صحیح عبارتست از : توسعه توأم با تحکیم ؛ و این بهترین شیوه‌ایست که امکان میدهد بمیل خود حمله یا دفاع کنیم . در يك جنگ طولانی ، مسئله تحکیم و توسعه مناطق پایگاهی برای هر يك از واحدهای پارتیزانی دائماً مطرح است . البته این مسئله باید طبق شرایط موجود بطور مشخص حل شود . در بعضی مواقع باید بر بسط و توسعه تأکید نمود ، یعنی تأکید بر توسعه مناطق پارتیزانی و افزایش واحدهای پارتیزانی ؛ ولی در مواقع دیگر باید روی تحکیم تأکید شود ، یعنی تأکید بر تشکل توده‌ها و تعلیم قوای نظامی . از آنجا که توسعه و تحکیم خصلتاً با یکدیگر متفاوتند ، آرایش نظامی و اجرای سایر وظایف نیز طبق آن تغییر می‌یابند ، لذا حل موفقیت‌آمیز این مسئله فقط در صورتی ممکن است که ما طبق شرایط زمان متناوباً بر روی وظایف مختلف تأکید کنیم .

۵ - اشکالی که ما و دشمن یکدیگر را

محاصره میکنیم

با در نظر داشت جنگ مقاومت ضد ژاپنی در مجموع ، تردیدی نیست که

ما در محاصره استراتژیک دشمن قرار داریم ، زیرا که دشمن در تعرض استراتژیک است و در خطوط خارجی عمل میکند ، حال آنکه ما در دفاع استراتژیک هستیم و در خطوط داخلی عمل میکنیم . این اولین شکل محاصره ما توسط دشمن است . ولی ما نیز بسهم خود هر يك از ستونهای دشمن را که از جهات مختلف بسمت ما پیشروی میکنند ، محاصره مینمائیم ، زیرا ما با استفاده از قوای متفوق خود ، علیه این ستونهای دشمن که از خطوط خارجی بسمت ما در حال پیشروی اند ، رهنمود تعرضی در عملیات اپراتیو و تاکتیکی و رهنمود عملیات خطوط خارجی را اجرا میکنیم . این اولین شکل محاصره دشمن توسط ماست . بعلاوه اگر ما مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی پشت جبهه دشمن را در نظر بگیریم ، ملاحظه میکنیم که هر منطقه منفرد یا از همه طرف در محاصره دشمن است - مانند منطقه کوهستانی او تای ، و یا از سه طرف در محاصره دشمن است - مانند منطقه شمال غربی شان سی . این دومین شکل محاصره ما توسط دشمن است . معذک ، اگر کلیه مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی در ارتباط با یکدیگر و در رابطه با جبهه های قوای منظم در نظر گرفته شوند ، آنگاه میتوان مشاهده کرد که ما نیز بنوبه خود بخش بزرگی از قوای دشمن را در محاصره داریم . مثلاً ما در استان شان سی راه آهن داتون - پوجو را از سه طرف ( مشرق و مغرب و نقطه انتهای جنوبی آن ) و شهر تای یوان را از چهار طرف محاصره کردیم ؛ در استانهای حه به و شان دون و غیره هم از این نوع محاصره نمونه های زیادی را میتوان یافت . این دومین شکل محاصره دشمن توسط ماست . بدین ترتیب ، دو شکل محاصره ما توسط دشمن و دو شکل محاصره دشمن توسط ما موجودند که قدری شبیه بازی "وی چی" (۸) میباشد ، و عملیات اپراتیو و تاکتیکی که طرفین علیه یکدیگر انجام میدهند ، نظیر کشتن مهره های یکدیگر است ،

در حالیکه ایجاد نقاط استحکامی از طرف دشمن و مناطق پایگاهی پارتیزانی از طرف ما مانند حرکت برای " اشغال خانه‌ها " میباشد . درست در همین عمل " اشغال خانه‌ها " است که نقش بزرگ استراتژیک مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی در پشت جبهه دشمن ظاهر میشود . ما این مسئله را در جنگ مقاومت ضد ژاپنی بدین مناسبت مطرح میکنیم تا خواه مقامات نظامی کشور و خواه رهبران جنگ پارتیزانی مناطق مختلف ، همه باید مسئله رشد و تکامل جنگ پارتیزانی را در پشت جبهه دشمن و مسئله ایجاد مناطق پایگاهی را در آن تقاطی که امکان دارد ، در دستور روز قرار دهند و آنرا بمثابة يك وظیفه استراتژیک بمرحله اجرا در آورند . اگر ما بتوانیم در صحنه بین‌المللی يك جبهه ضد ژاپنی در منطقه اقیانوس آرام ایجاد کنیم که در آن چین يك واحد استراتژیک و شوروی و کشورهای دیگری که ممکن است بدان ملحق شوند ، واحدهای استراتژیک دیگر را تشکیل دهند ، آنگاه ما از دشمن يك شکل محاصراتی بیشتر خواهیم داشت ، بدین معنی که ما در منطقه اقیانوس آرام در خطوط خارجی عملیاتی خواهیم پرداخت که هدفش محاصره و نابودی فاشیسم ژاپن خواهد بود . البته این موضوع در حال حاضر دارای اهمیت عملی زیاد نیست ، ولی چنین دورنمایی بعید بنظر نمیرسد .

## فصل هفتم

### دفاع استراتژیک و تعرض استراتژیک

#### در جنگ پارتیزانی

چهارمین مسئله استراتژی جنگ پارتیزانی دفاع استراتژیک و تعرض

استراتژیک در جنگ پارتیزانی است . در اینجا مسئله بر سر اینستکه ما در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی ، چه در حالت تعرضی و چه در حالت تدافعی ، چگونه باید رهنمود جنگ تعرضی را که در بحث خود در باره اولین مسئله متذکر شدیم ، بطور مشخص در عمل اجرا نمائیم .

در جریان دفاع استراتژیک و تعرض استراتژیک ( دقیقتر بگوئیم تعرض متقابل استراتژیک ) در مقیاس سراسر کشور ، دفاع استراتژیک و تعرض استراتژیک به مقیاس کوچک نیز در داخل و اطراف مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی انجام میگیرند . مقصود ما از دفاع استراتژیک موقعیت و رهنمود استراتژیک در وقتی است که دشمن در حال تعرض است و ما در حال دفاع ؛ و منظور ما از تعرض استراتژیک موقعیت و رهنمود استراتژیک در موقعی است که دشمن در حال دفاع است و ما در حال تعرض .

### ۱ - دفاع استراتژیک در جنگ پارتیزانی

پس از آنکه جنگ پارتیزانی بر پا شود و بطور قابل ملاحظه‌ای گسترش یابد ، بویژه زمانیکه تعرض استراتژیک دشمن در مقیاس سراسری کشور پایان رسد و دشمن رهنمود حفظ مناطق اشغالی خود را در پیش گیرد ، حمله دشمن به مناطق پایگاهی جنگ پارتیزانی دیگر امری اجتناب‌ناپذیر میگردد . قبول اجتناب‌ناپذیری چنین حملاتی ضرور است ، چه در غیر اینصورت رهبران جنگ پارتیزانی اصلاً آمادگی نخواهند داشت و در برابر حملات سخت دشمن بدون تردید گنج و سراسیمه شده و با شکست روبرو خواهند گردید . دشمن برای از بین بردن جنگ پارتیزانی و مناطق پایگاهی آن غالباً به حملات متقارب توسل میجوید . مثلاً دشمن چهار یا پنج بار به ناحیه کوهستانی اوتای باصطلاح " اردو کشی مجازاتی " کرده است که هر